

● اخلاق، حرف اول کوهنوردی

چیزی که سید جواد رضوی را آزاری می‌دهد، تجاری شدن کوهنوردی است. او معتقد است کسب درآمد اخلاق را از کوهنوردی دور کرده است؛ یک کتاب دارم به اسم «هزار نکته کوهنوردی» که بیش از ۳۰ درصد نکات آن بحث اخلاق است. من این کتاب را بارها خوانده‌ام. اخلاق برخورد با طبیعت و محیط زیست حیوانات و حتی افرادی که به محیط زیست آن‌ها می‌رویم، آداب سفر و یادداشتن به حریم زندگی روستاییان و عشایر و احترام به تعصبات و عقاید آن‌ها، همه جزو نکات کوهنوردی است که در گذشته رعایت می‌شد، اما از زمانی که کسب درآمد از کوه شروع شد، بسیاری از این اخلاقیات هم نادیده گرفته شد.

از ناکوهنوردانی که عده زیادی را بدون رعایت شأن کوه با خود همراه می‌کنند، دل پردردی دارد می‌گوید: آخرین باری که به دماوند صعود کردم، سال ۱۳۹۶ بود که از جبهه شمالی رفتم. عده زیادی از جبهه جنوبی که مسیر آسانی دارد، تاقله آمده بودند و بسیاری از آن‌ها فرهنگ احترام به کوه را نمی‌دانستند. برای من کوه تقدس دارد و از همان زمان خودم را از رفتن به قله‌هایی مانند دماوند و علم کوه محروم کردم. زیرا کوه باید نفس بکشد. قله ظرفیت محدودی دارد و این حجم تردد روی کوه به آن آسیب می‌زند.

رضوی در رشته‌های ورزشی مختلفی فعالیت داشته است. مانند دوومیدانی، شنا و فوتبال، اما با توجه به اینکه اخلاق برای او حرف آخر می‌زند، کوه را انتخاب کرده است. خاطرات زیادی از کمک کردن در کوه دارد و معتقد است در کوه تعاون و همکاری رایج می‌گردد.

● سفر با دوچرخه، نگاه متفاوت به زندگی

وقتی که ورزش، اخلاق و مطالعه بخش اصلی زندگی‌ات را تشکیل دهد، مراودات هم با افرادی شکل می‌گیرد که هم فکر خودت هستند. سقاء رضوی در مسیر ورزش و کوهنوردی با دوستانی آشنا شده است که دوچرخه سوار بودند و او را به خرید دوچرخه ترغیب کردند: سال ۱۳۷۸ دوچرخه خریدم و به صورت هدفمند رکاب زدن را شروع کردم.

اما معنی دوچرخه سواری از زمانی برای او پررنگ شد که سفر با دوچرخه را آغاز کرد: سال ۱۳۹۴ با سفر با دوچرخه آشنا شدم. به تنهایی یا با گروه کوچک چهار نفره در جاده‌های مختلف کشور سفرهای زیادی رفتم. اما جاده‌های شمال و جاده‌های کویری را بیشتر دوست دارم. زیباترین سفری که رفته‌ام، زمانی بود که طول کویر لوت را رکاب زدم. به جرئت می‌گویم کسی که با دوچرخه سفر نکرده است، معنی سفر را درک نمی‌کند.



دوچرخه سوار محله بالاخیابان
معنی زندگی را در خلوت کوه یافته است

ناچیز شدن مشکلات در نوک قله

نجمه موسوی کاهانی اکوه و کتاب، دو مأمی بود که سید جواد از پنجاه سال پیش به آن‌ها پناه می‌برد. آن قدر خود را در این دو غرق کرد که سبک زندگی‌اش بر اساس مطالعه و کوهپیمایی شکل گرفت و هیچ روزی را بدون آن‌ها شب نمی‌کرد. بعد هادو چرخه را هم به صورت هدفمند به زندگی‌اش اضافه کرد و سفر و کوهپیمایی با دوچرخه بخش اصلی زندگی سید جواد سقاء رضوی شد.

این ساکن محله بالاخیابان که از کوه تا جنگل، از کویر تا ریگزار و قله تاقله را با دوچرخه زیر پا گذاشته، فلسفه زندگی را در کوچک شمردن دنیا از فراز قله‌ها پیدا کرده است. اکنون همسر و دخترش هم با او همراه شده‌اند.



● گذر کودکی در دل کوه

اصالتا اهل طرقله است. تابستان‌ها که به خانه پدر بزرگ و مادر بزرگش در طرقله می‌رفت، در هر فرصتی از کوه و تپه‌های اطراف بالامی‌رفت و تا می‌توانست از آدم‌ها دور می‌شد. خودش تعریف می‌کند: دو چرخه‌ای داشتم که با آن بازی می‌کردم. در اوقات بیکاری هم می‌زدم به دل تپه و کوه. خط الرأس را می‌گرفتم و تاجایی که می‌توانستم، می‌رفتم. وقتی هم که در خانه بودم، خواندن کیهان بچه‌ها تنها سرگرمی‌ام بود. این کار خاص تابستان نبود و در بقیه سال هم به کوه می‌رفتم. خانه مان در کوهسنگی بود. مجله دانستنی‌ها را برمی‌داشتیم و می‌رفتم بالای کوهسنگی.

این مسیر برای سید جواد ادامه دارد و تقدیر هم او را به سمت کوه کشاند: دوره سربازی‌ام در محیط کوهستانی بود و از آن زمان رفتن به کوه به صورت منظم شروع شد. عادت کرده بودم صبح‌ها پیش از روشن شدن هوا بروم نوک قله و طلوع خورشید را از آن بالا ببینم؛ جایی که هم مادیات دنیا ناچیز بود و همه مشکلات، کوچک.

● عکس، یادگاری از سفر

فتح قله‌های ایران یکی پس از دیگری برای سید جواد رقم می‌خورد: دماوند، سیلان، تفتان، علم کوه و... چیزی که او هر بار بیشتر از قبل در کوه یاد می‌گرفت، استقامت، صبر و پایداری تا رسیدن به هدف بود: به کوهنوردی به چشم ورزش نگاه نمی‌کنم، بلکه برایم نوعی سبک زندگی است. به همین دلیل هیچ وقت دنبال دیده شدن نبوده‌ام. از کوه کسب درآمد نکردم و با خیلی از قله‌ها عکس هم نگرفته‌ام.

با خنده ادامه می‌دهد: آن زمان تفکر من این بود که می‌خواهم از مسیر لذت ببرم، اما الان که خاطره سفرهایم را با عکس‌ها مرور می‌کنم، پشیمانم که چرا از آن لحظات ناب عکسی را به یادگار ثبت نکرده‌ام و مثلاً از صعود به سیلان عکسی ندارم.

پوشه عکس‌هایش را زیر و رو می‌کند و با دیدن هر عکس یاد سختی‌ها و شیرینی‌های آن سفر می‌افتد: دایی‌ام خارج از ایران زندگی می‌کرد و دوربین‌های حرفه‌ای داشت. برادرم عکاسی را از او یاد گرفت و من هم تا حدودی از محمدرضا یاد گرفتم. دوربین‌هایی داشتیم که چاپ عکس‌هایش داخل ایران مقدور نبود.

با دیدن هر کدام داستانی برای تعریف کردن دارد: حتی عکس‌هایی که خودش در آن نیست: یک بار در سفر گروهی سه روز در جنگل بودیم و بیشتر از پانصد عکس گرفتیم، ولی وقتی برگشتیم، دیدم حتی در یک عکس خودم نبوده‌ام.

با دیدن بعضی عکس‌ها بیشتر درنگ می‌کند و می‌گوید: همه قله‌ها زیباست، اما قشنگ‌ترین قله‌ای که رفته‌ام، در قلعه موران استان گلستان بوده است.



● ترس‌های دنیا همه هیچ است

ترس برای سید جواد معنایی ندارد و هر بار از او می‌پرسند چطور تنها سفر می‌کنی، پاسخ می‌دهد: تنها نیستیم، آن بالایا همراهم است: شب‌های احوال تنها به کوه می‌روم. یک سال یکی از دوستانم حال خوبی نداشت و با من همراه شد. رفتم قله و جوشن کبیر را از رادیو گوش کردیم و تاسحر بالا بودیم. دیدم حالش خوب نیست و به او گفتم: ببین همه مشکلات چقدر کوچک هستند؛ حتی شهرها همه داشته‌هایش چقدر ناچیز است.

چند عکس برفی نشان می‌دهد و می‌گوید: در زمستان که همه شهر زیر

برف پنهان شده است. دنیای متفاوتی را تجربه می‌کنید. انگار همه چیز دنیا هیچ است.

از زیبایی‌های مسیر که تادلتان بخواهد حرف دارد، اما چیزی که برایش جذاب است، مهمان‌نوازی مردم خطه‌های مختلف کشور است: بارها پیش آمده است که در جاده ماشین‌ها سرعشان را کم کرده‌اند و خدا قوت گفته‌اند و پرسیده‌اند که چیزی لازم داریم یا نه! در همان سفر شهداد به امامزاده‌ای رسیدیم که محلی‌ها وقتی دیدند ما پنج روز رکاب زده‌ایم، بی‌هیچ چشمداشتی از ما پذیرایی کردند. خوب به یاد دارم شب ولادت

رسول اکرم (ص) بود که به عروسی هم دعوت‌مان کردند. خاطراتی هم دارد از اینکه به دلیل سید بودن و مشهدی بودنش احترام خاصی برایش قائل شده‌اند: یک سال ماه رمضان در سفری که از دامغان برمی‌گشتیم، به شهر رامیان رسیدیم. وقتی متوجه شد‌ند مشهدی هستیم، به ما جادادند و برای افطار به مسجد دعوت شدیم. متوجه شدم مراسم عزاست. به صاحب عزافتیم همسر من خادم حرم است و امشب روبه‌روی ضریح برای مادر تان نماز و حشت می‌خواند. پسر جوان اشک می‌ریخت و می‌گفت آرزوی مادر من این بود که برایش در حرم امام رضا (ع) نماز بخوانند.

